انعکاس معراج نبی در شعر نظامی

غفاری جاهد، مریم

زبان را روز و شب خاموش می‏داشت/ نمودار نیا را گوش می‏داشت‏3

ب-خواب دیگری که نظامی در خسرو و شیرین نقل می‏کند، عبارت از مشاهده و گفت‏وگوی پیامبر اسلام با خسرو پرویز در عالم‏ خواب است که نظامی آن را به مثابه‏ی یک شاعر پارسی زبان‏ اسلام باور چنین نقل می‏کند:

چنین گفت آن سحر بیدار شب خیز کز آن آمد خلل در کار پرویز که شب‏ها شبی روشن چو مهتاب‏ جمال مصطفی را دید در خواب‏ خرامان گشت بر تازی سمندی‏ مسلسل کرده گیسو چون کمندی‏ به چربی گفت با او:کای جوانمرد ره اسلام گیر،از کفر برگرد جوابش داد تا بی‏سر نگردم‏ از این آیین که دارم،برنگردم‏ سوار تن از آن‏جا شد روانه‏ به تندی زد بر او یک تازیانه‏ ز خواب خویش چون خسرو در آمد چو آتش دودی از مغزش برآمد4

نظامی سپس چنین گزارش می‏کند که خسرو پرویز با معشوقه‏اش‏ شیرین به گنج خانه‏ی خود رفت و در آن‏جا نامه‏یی دبد که اردشیر بابکان براساس احکام نجومی از ظهور پیامبر اسلام و از میان رفتن‏ دولت ساسانی خبر داده و مجسمه‏ی پیامبر را در گنج خانه نهاده ست:

کز این پیکر پدید آید نشانی‏ در اقلیم عرب صاحب قرانی‏ سخن گوی و دلیر و خوب دیدار امین و راست عهد و راست گفتار به معجز گوش مالد اختران را به دین خاتم بود پیغمبران را ز ملت‏ها برآرد پادشایی‏ به شرع او رسد ملت خدایی‏ بدو باید که دانا بگرود زود که جنگ او زیان شد،صلح او سود چو شاهنشه در آن صورت نظر کرد سیاست در دل و جانش اثر کرد بعینه گفتی آن شکل جهان تاب‏ سواری بود کان شب دید در خواب‏5

پی‏نوشت‏ها

(1)-نظامی،هفت پیکر،چاپ دکتر برات زنجانی،تهران،انتشارات دانشگاه تهران،1373، ص 171.

(2)-همان جا،ص 41.

(3)-نظامی،خسرو وشیرین نظامی گنجوی،چاپ‏ دکتر برات زنجانی،تهران،انتشارات دانشگاه تهران،1376،صص 31-32؛دیوان کامل‏ نظامی گنجوی،با مقدمه‏ی دکتر معین فر،انتشارات زرین،بی‏تا،صص 121-122.

(4)- همان جا،ص 260.

(5)-همان جا،ص 262.

انعکاس معراج نبی‏ در شعر نظامی

مریم غفاری جاهد

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی(دانشگاه الزهرا)

نظامی گنجه‏ای از جمله شاعرانی‏ست که فراوان از معراج‏ می‏گوید.او در ابتدای هریک از پنج گنج خود ابیاتی طولانی در توصیف معراج می‏سراید که گاه به اطناب می‏انجامد.در مخزن الاسرار با این ابیات شرح معراج را آغاز می‏کند:

نیم شبی کان فلک نیم روز کرد روان مشعل گیتی فروز نه فلک از دیده عماریش کرد زهره و مه مشعله‏داریش کرد کرد رها در حرم کائنات هفت خط و چار حد و شش جهات‏ روز شده با قدمش در وداع‏ ز آمدنش آمده مه در سماع‏ دیده‏ی اغیار گران خواب گشت‏ کاو سبک از خواب عنان تاب گشت‏ با قفس قالب از این دامگاه‏ مرغ دلش رفته به آرامگاه

(مخزن الاسرار،17)

این ابیات حدود 66 بیت است که شرح مبسوطی از شب معراج‏ دارد.نظامی در این ابیات هم عقیده‏ی کلامی خود را مبنی بر امکان‏ دیدار خدا با چشم سر بیان می‏کند و هم طبع روان خود را به رخ‏ رقیبان می‏کشد.

نظامی مهم‏چنین در ابتدای لیلی و مجنون بیش از 40 بیت،در فهفت پیکر 75 بیت و در شرفنامه 66 بیت درباره‏ی معراج سروده‏ است و این غیر از ابیات پراکنده‏یی‏ست که درباره‏ی پیامبر و معراج‏ دارد.

تاثیر معراج و یاد کرد آن به مناسبت‏های مختلف و با یادآوری ابعاد گوناگون معراج را که در تفاسیر از روایت‏های مختلف مستفاد شده، می‏توان به این ترتیب طبقه‏بندی کرد:

1-اشاره به زمان معراج

در میان تمام مسلمانان پذیرفته است که معراج در شب اتفاق‏ افتاده است.در شعر شاعران نیز شب معراج فراوان دیده می‏شود.این اشارات گاه تنها تلمیح است و گاه اشاره‏ی کامل به معراج پیامبر است.

2-سفر با براقی که جبریل آورد

سفر پیامبر بی‏هیچ شکی با اسبی به نام براق انجام گرفته و هر جا یادی از معراج است،نام براق نیز دیده می‏شود:

در شب تاریک بدان اتفاق‏ برق شده پویه‏ی پای براق

(مخزن الاسرار،18)

براقی شتابنده زیرش چو برق‏ ستامش چو خورشید در نور غرق

(اقبال نامه،17)

سر بلندیش را ز پایه‏ی پست‏ جبرئیل آمده براق به دست

(هفت پیکر،604)

برقی ه براق بود نامش‏ رفق روش تو کرد رامش

(لیلی و مجنون،434)

3-گذشتن از افلاک

سفر به اوج آسمان مستلزم گذشتن از نه فلک(برابر اعتقاد قدما براساس تئوری بطلیموس یونانی)است و این نکته در توصیف‏ چه گونگی معراج دیده می‏شود:

ای بر سر سدره گشته راهت‏ وی منظر عرش پایگاهت‏ ای شش جهت از تو خیره مانده‏ بر هفت فلک جنیبه رانده

(لیلی و مجنون،431)

4-سفر با قالب خاکی

در چه گونگی سفر پیامبر به عالم بالا اختلافاتی دیده می‏شود و فرقه‏های مختلف همه به معراج جسمانی قائل نیستند.نظامی از آن‏ دسته است که به معراج جسمانی قائل است و آن را تصدیق می‏کند:

با قفس قالب از این دامگاه‏ مرغ دلش رفته به آرامگاه

(مخزن الاسرار،17)

5-بازماندن جبرئیل از سفر

در آیات قرآن درباره‏ی جبرئیل از پیامبر مطلبی نیست. اما در روایات و تفاسیر هر جا شرح معراج هست،این مطلب نیز بیان‏ شده و شعرا آن را مایه‏ی فخر پیامبر دانسته،از آن یاد کرده‏اند:

هم سفرانش سپر انداختند بال شکستند و پر انداختند

(مخزن الاسرار،18)

6-سدره المنتهی جایگاه جبرئیل

به اعتقاد عامه مکانی که جبرئیل در آن باقی ماند و پیامبر به‏ تنهایی به راه خود ادامه داد،جایگاهی به نام سدره المنتهی‏ست که‏ درختی به نام سدره در آن قرار دارد.

7-مسجد الاقصی

این مکان در آیه به‏طور صریح اولین مکانی‏ست که پیامبر پیش‏ از رفتن به معراج به آن‏جا رفته است و این امر مورد توافق همه است‏ و برخی معتقدند معراج در همین حد بوده است.

8-هدف معراج

الف-سخن بی‏واسطه گفتن و در میان گذاشتن اسرار

هم حضرت ذو الجلال دیدی‏ هم سرّ کلام حق شنیدی

(لیلی و مجنون،434)

سریر عرش ا نعلین او تاج‏ امین وحی و صاحب سرّ معراج

(خسرو و شیرین،128)

کلامی که بی‏آلت آمد شنید لقایی که آن دیدنی بود دید

(نظامی،848)

ب-دیدار خداوند

مساله‏ی دیدن یا ندیدن خداوند از مسائل کلامی‏ست که در آن‏ اختلاف است.فرقه‏ی اشاعره که پیروان ابو الحسن اشعری‏اند،اعتقاد دارند که خدا با چشم دیده می‏شود.برخی شعرا چون نظامی،سعدی و مولوی صریحا گفته‏اند،خدا دیدنی‏ست و بر این امر تاکید کرده‏اند.

نظامی با تاکید بیش‏تر که نشان از عداوت آشکار با فرقه‏های‏ دیگر است،چنین می‏سراید:

آیت نوری که زوالش نبود دید به چشمی که خیالش نبود دیدن او بی‏غرض و جوهر است‏ کز عرض و جوهر از آن سو تر است‏ مطلق از آن‏جا که پسندیدنی‏ست‏ دید خدا را و خدا دیدنی‏ست‏ دیدنش از دیده نباید نهفت‏ کوری آن کس ک به دیده نگفت‏ دیده پیمبر نه به چشمی دگر دید بدین چشم سر این چشم سر

(مخزن الاسرار،19)

کمی از بود خود فراتر شد تا خدا دیدنش میسر شد

(فهت پیکر،607)

منبع

1-نظامی گنجوی،کلیات خمسه،چ 5،امیر کبیر،1370.

از رباعیات امین

از خطه‏ی سبز سبزوار است امین‏ اهل قلم است و مرد کار است امین‏ گر سر رودش به دار،ثابت قدم است‏ زیرا که ز نسل سربدار است امین